

بررسی نهضت و زیارت امام حسین علیه السلام

از منظر آیت الله احمدی میانجی

عبدالرحیم اباذری

چکیده

این مقاله شامل ویژگی‌های اختصاصی امام حسین علیه السلام، انگیزه قیام، اهمیت زیارت و فضیلت گریه بر مصیبت آن حضرت و پیام نهضت حسینی است که از دیدگاه آیت الله احمدی میانجی بررسی شده است. این مطالب از لا به لای سخنرانی‌های ایشان که به مناسبت ایام عزاداری محرم و صفر درباره نهضت حسینی انجام گرفته، گزینش شده است. این کار بدون هیچ گونه تصرف در متن انجام گرفته و تنها در مواردی که برای اختصار، بخش‌هایی حذف شده، به جای آن سه نقطه (...) گذاشته شده است.

کلیدواژه‌ها: نهضت کربلا، گریه بر حسین علیه السلام، تربت حسینی، زیارت کربلا

مقدمه

مرحوم آیت الله حاج میرزا علی احمدی میانجی (متوفی ۱۳۷۹ ش.) یکی از شخصیت‌های علمی - اخلاقی حوزه علمیه قم به شمار می‌آیند. علاوه بر بُعد فقهی و اصولی، تلاش‌ها و تحقیقات گسترده ایشان در موضوعات تاریخی، کلامی و اهتمام ایشان به نشر فرهنگ تشیع و اهل بیت علیهم السلام بر اهل تحقیق و پژوهش مخفی نیست؛ به خصوص کتاب مکاتیب الرسول و

مکاتیب الاثمه ایشان که حاوی نامه‌های چهارده معصوم علیهم‌السلام است و امروز مورد توجه علمای جهان اسلام و تشیع و سایر محافل علمی و تحقیقاتی است.

با توجه به اینکه یک جلد از مجموعه ارزشمند مکاتیب الاثمه آیت‌الله احمدی میانجی به نامه‌های امام حسین علیه‌السلام اختصاص دارد و ایشان به ساحت حضرت اباعبدالله الحسین علیه‌السلام و قیام عاشورا اهتمام ویژه‌ای داشتند، بر آن شدیم در این مقاله دیدگاه‌های ایشان را درباره نهضت حسینی بازبینی کنیم. برای تهیه محتوای این مقاله از مجموعه سخنرانی‌های مرحوم آیت‌الله احمدی میانجی که در دفتر دوم از کتاب سه جلدی به سوی نور گردآوری گردیده، استفاده شده است. مباحث این دفتر به موضوع «امامت و ولایت» اختصاص دارد و ایشان در آنجا نهضت حسینی و قیام عاشورا را در ابعاد گوناگون تجزیه و تحلیل کرده است. البته در مقاله تنها به ارائه گوشه‌هایی از آن مباحث بسنده شده است.

اختصاصات امام حسین علیه‌السلام

در مورد امام حسین علیه‌السلام مسائلی وجود دارد که نه پیش از آن حضرت اتفاق افتاده است و نه پس از آن؛ بلکه فقط مخصوص امام حسین علیه‌السلام است. یکی از مسائل مزبور این است که تولد امام حسین علیه‌السلام عالم غیب را تحت تأثیر قرار داد و اصناف مختلف ملائک اجازه گرفتند تا تبریک بگویند؛ اما تبریک و تسلیت گفتند (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۴۴، ص ۲۴۹). در مورد هیچ مولود دیگری این را نداریم که خبر ولادتش با تسلیت توأم باشد. این، ویژگی امام حسین علیه‌السلام است.

ویژگی دوم این است که از روز ولادت، گریه برای امام حسین علیه‌السلام شروع شد. روایات بسیاری از طریق اهل سنت و از طریق اهل بیت علیهم‌السلام به ما رسیده است که خود رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم داستان کربلا را بازگو کرده و گریه کرده است (صدوق، ۱۴۰۰ق، ص ۱۳۹؛ ابن ابی‌الفتح اربلی، ۱۳۸۱ق، ج ۲، ص ۱۲). این مسئله در منزل عایشه، منزل زینب بنت جحش و منزل ام‌سلمه رخ داده و همگی این جریان را نقل کرده‌اند که رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم امام حسین علیه‌السلام را می‌بوسید و گریه می‌کرد. از او سؤال شد که چرا گریه می‌کنی؟ فرمود: «حسین مرا خواهند کشت. جبرئیل

خبر داد که حسین مرا در زمینی به نام کربلا خواهند کشت و اسم قاتلش یزید است». (ابن ابی‌الفتح اربلی، ۱۳۸۱ق، ج ۲، ص ۱۲). این گریه حتی تا آخرین ساعات زندگی رسول خدا ﷺ نیز باقی بوده است.

ابن قولویه در کامل‌الزیارات از امیرالمؤمنین ﷺ نقل کرده است:

رسول خدا ﷺ به خانه ما آمد و ما را دور خود جمع کرد. ام ایمن^۱ غذایی را (کره با خرما) برای ما هدیه آورده بود. پیامبر ﷺ غذایی را که ام ایمن آورده بود، خوردند و برخاستند و در گوشه خانه دو رکعت نماز خواندند. ایشان در آخر سجده نماز گریه کردند، به طوری که غیر عادی بود و نظر اهل بیت را هم جلب کرد. ولی ما به دلیل هیبت رسول خدا ﷺ از پیامبر نپرسیدیم که گریه برای چیست؟ فقط [امام] حسین ﷺ عرض کرد: «بابا، چرا گریه کردی؟» فرمود: «جبرئیل به من خبر داد که تو را خواهند کشت. به همین دلیل گریه کردم» (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۴۴، ص ۲۳۴).

در روایتی دیگر رسول خدا ﷺ، امام حسین ﷺ را به دست امیرالمؤمنین ﷺ داد و فرمود: «حسین ﷺ را نگه دار». آن‌گاه رسول خدا ﷺ شروع کرد به بوسیدن او و باز امام حسین ﷺ عرض کرد: «بابا، این چه بوسه و گریه‌ای است؟» فرمود: «اقبل موضع السیوف»؛ «جای شمشیرها را می‌بوسم» (ابن قولویه، ۱۳۵۶ق، ص ۷۰، مجلسی ۱۴۰۴ق، ج ۴۴، ص ۲۶۱).

در روایتی دیگر ام سلمه نقل می‌کند:

رسول خدا ﷺ به خانه من آمد و دستور داد که کسی نیاید. فرمود: «می‌خواهم استراحت کنم». من هم مواظب بودم که دیدم [امام] حسین ﷺ که در آن زمان کودکی دو یا سه ساله بود، خواست وارد شود. من جلوی او را گرفتم؛ چون رسول خدا ﷺ فرموده بود کسی نیاید. [امام] حسین ﷺ اصرار کرد و برنگشت. من هم اصرار کردم. رسول خدا ﷺ فرمود: «ام سلمه کسیت؟» عرض کردم: «ای پیامبر، حسین ﷺ است». فرمود: «بگذار بیاید». وقتی حسین ﷺ وارد اتاق شد و

۱. ام ایمن زنی بود که از رسول خدا ﷺ پرستاری، و به او خدمت کرده بود و در میان خاندان رسول خدا ﷺ محترم بود.

خودش را به سینه رسول خدا ﷺ رساند، من دیدم رسول خدا ﷺ این بچه را بوسید، بعد او را برگرداند و پشتش را هم بوسید. عرض کردم: «ای رسول خدا، این چه بوسه‌ای است؟» فرمود: «ام سلمه، جای زخم‌ها را می‌بوسم».

در بعضی از نقل‌ها هست که ام سلمه می‌گوید:

دیدم رسول خدا ﷺ چیزی در دست دارد و آن را می‌بوسد. عرض کردم: «ای رسول خدا آن چیست؟» فرمود: «خاک کربلا را می‌بوسم. الان جبرئیل آن را برایم آورد. جبرئیل خاک قبر حسین ﷺ را برایم آورده است». بعد آن خاک را به من داد و فرمود: «این را در شیشه‌ای نگه دار. هر وقت دیدی که این خاک خون شد، بدان که حسین مرا کشتند» (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۴۴، ص ۲۳۱).

انگیزه قیام امام حسین ﷺ

یک سؤال که مطرح می‌شود این است که انگیزه قیام امام حسین ﷺ چه بود؟ چرا امام حسین ﷺ قیام کرد و مانند امام حسن ﷺ صلح نکرد؟ چرا مثل امام سجاد یا امام صادق ﷺ عمل نکرد، بلکه قیام کرد؟ قیامی که پای همه چیزش هم ایستاد؟ وقتی حضرت از مکه حرکت می‌کرد، افرادی مانند ام سلمه، عبدالله بن عباس، عبدالله بن جعفر، عبدالله بن عمر و دیگران به حضرت گفتند: «نرو». حضرت به هر کسی جوابی می‌داد و ردشان می‌کرد. اما دو نفر از نزدیکان حضرت، یکی محمد حنفیه که برادرش بود و دیگر ابن عباس، عرض کردند: «شما می‌فرمایید که خدا فرموده در این سفر باید تو را کشته ببیند. پس این زن و بچه را چرا می‌برید؟» حضرت در جواب آنها فرمود: «ان الله قد شاء ان يراهن سبايا» (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۴۴، ص ۳۶۴)؛ «خدا خواسته است که آنان را هم اسیر ببیند»؛ یعنی من تکلیف دارم که قیام کنم و کشته شوم و باید خانواده و فرزندانم نیز با من باشند. در یک مقتل هست که ابن عباس یک جمله اضافه کرد: «می‌ترسم تو را جلو چشم بچه‌ها بکشند» (شیخ عباس قمی، ۱۴۰۵ق، ص ۱۶۶ و ۱۶۷).

امام حسین ﷺ از مکه خارج شد و اعلام کرد: «هر که می‌خواهد کشته شود، با ما بیاید» که

مفهومش این است که هرکس نمی‌خواهد کشته شود، نیاید. اسلام چنان به خطر افتاده بود که بایستی پای درخت اسلام خون ریخته می‌شد آن هم نه هر خونی. حملات تبلیغاتی بنی‌امیه و هجوم فرهنگی معاویه و یزید بر اسلام، طوری بود که غیر از خون امام حسین علیه السلام چیز دیگری نمی‌توانست جلوی آن را بگیرد. حتی عبدالله علائلی، که سنی است، در کتاب سه جلدی‌اش، ایام الحسین علیه السلام، تاریخ الحسین علیه السلام، سمو المعنی فی سمو الذات، نوشته است که تمام خلفای ثلاث بر خلاف رویه رسول خدا صلی الله علیه و آله عمل کردند. رسول خدا صلی الله علیه و آله اختلاف طبقاتی را نفی کرده بود و پولدار و بی‌پول در اسلام یکی بودند؛ ولی آنها وضعیت را تغییر دادند. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرموده بود که همه مسلمان هستند؛ همه محترم‌اند و فقط تقوا موجب کرامت است: «إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ» (حجرات: ۱۳)؛ ولی اینها این را هم عوض کردند و باندبازی‌ها شروع شد.... این هجوم فرهنگی به صورتی بود که نویسنده و تحلیلگر سنی می‌گوید:

اسلام به روزی افتاده بود که فقط نامی از آن باقی مانده بود. در چنین فضایی آیا مردی باقی مانده بود که برای خدا قیام کند و اسلام و قرآن را حفظ کند؟ خیر، کسی نمانده بود؛ فقط امام حسین علیه السلام بود که باید این کار را می‌کرد.

پس امام حسین علیه السلام برای امر به معروف و نهی از منکر قیام کرد (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۴۴، ص ۳۲۹). آن حضرت برای حفظ دین و احکام اسلام قیام کرد. به قول امام خمینی علیه السلام برای حفظ اسلام ناب قیام کرد و هم همان روز عاشورا نیز نتیجه‌اش را گرفت و تمام تار و پود حکومت بنی‌امیه را به هم زد و به قول شاعر: «زینب آمد شام را یکباره ویران کرد و رفت».

فضیلت گریه و روضه بر حسین علیه السلام

در قضیه کربلا به چند چیز اهمیت داده شده است که یکی از آنها مسئله گریه است؛ جبرئیل برای امام حسین علیه السلام روضه خوانده است (همان، ج ۴۳، ص ۲۴۵)؛ رسول خدا صلی الله علیه و آله برای ایشان روضه خوانده است (همان، ج ۴۴، ص ۲۳۴ و ج ۴۵، ص ۳۱۸). این روضه‌خوانی‌ها چنان فراوان است که مرحوم آقای امینی آنها را در کتابی جمع کرده است. وقتی امیرالمؤمنین علیه السلام

برای جنگ به صفین می‌رفت، از کربلا می‌گذشت. ایشان در همان جا به نام امام حسین علیه السلام روضه خواند (همان، ج ۴۴، ص ۲۴۷). خود ائمه علیهم السلام این کار را می‌کردند. امام رضا علیه السلام به دعبل دستور داد که برای حضرت روضه بخواند. امام صادق علیه السلام به صورت مکرر این عمل را انجام می‌دادند و به شاعران نیز صله می‌دادند... امام سجاد علیه السلام سی یا چهل سال در آن اوضاع خفقان‌گریه کرده (دیلمی، ۱۴۱۲ق، ج ۱، ص ۲۳۲) و قضیه کربلا را با گریه خودش حفظ کرده است.

اهل بیت علیهم السلام بعد از ماجرای کربلا به مدت پنج سال از عزا بیرون نیامدند. در محاسن برقی این طور بیان شده است که خاندان رسول خدا صلی الله علیه و آله سیاه پوشیدند و مشغول عزا بودند و امام سجاد علیه السلام خودش برای آنها غذا تهیه می‌کرد (برقی، ۱۳۲۷ش، ج ۲، ص ۴۲۰). حتی نوشته‌اند که در آن پنج سال از خانه‌های بنی‌هاشم دود بالا نرفت؛ یعنی غذا پخته نشد و هیچ زن هاشمی‌ای آرایش نکرد (ابن قولویه، ۱۳۵۶ق، ص ۸۱؛ مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۴۵، ص ۲۰۷)، تا اینکه مختار رضی الله عنه قیام کرد و سر ابن زیاد را همراه با نامه‌ای و مقداری پول خدمت آقا امام سجاد علیه السلام فرستاد و در آن نامه از حضرت خواهش کرد که دستور دهد آن پول بین بنی‌هاشم تقسیم شود و خانم‌ها از عزا بیرون بیایند.

همچنین در روایات خیلی به شعر گفتن درباره کربلا بسیار اهمیت داده شده است. امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

من انشد في الحسين عليه السلام بن علي شعرا فابكي خمسين فله الجنة و من انشد في الحسين فابكي ثلاثين فله الجنة و من انشد في الحسين فابكي عشرين فله الجنة و من انشد فابكي عشرة فله الجنة و من انشد في الحسين فابكي واحدا فله الجنة. (صدوق، امالی، ۱۴۰۰ق، ص ۱۴۱، مجلس ۲۹).

کسی که با شعر درباره امام حسین علیه السلام پنجاه نفر را بگریاند، به بهشت می‌رود. ... بعد سی نفر را می‌گوید تا می‌رسد به یک نفر. شاعری به صورت ساده برای امام صادق علیه السلام شعر خواند، حضرت فرمود: «به آن روشی که پیش خودتان می‌خوانید و نوحه می‌کنید،

بخوان؛ یعنی با آواز و صدا بخوانید. (ابن قولویه، ۱۳۵۶ق، ۲۰۵).

حاصل آنکه درباره عظمت و فضیلت اشک ریختن و نیز شعر گفتن و گریاندن برای امام حسین علیه السلام روایات متعددی وارد شده است.

اهمیت زیارت امام حسین علیه السلام

در روایتی داریم حضرت به شخصی فرمود: «به زیارت امام حسین علیه السلام می روی؟» گفت: «نه». فرمود: «چرا؟» گفت: «من شناخته شده هستم و می ترسم». فرمود: «هنگامی که حضرت را یاد می کنی، آیا محزون می شوی یا نه؟» عرض کرد: «گاهی من چنان محزون می شوم که از غذا خوردن می افتم». آن گاه امام علیه السلام مطالب فراوانی درباره فضیلت کار این شخص بیان کرد. روایات بسیاری در فضیلت زیارت امام حسین علیه السلام وارد شده است؛ به گونه ای که کامل الزیارات روایات بسیاری در این باب جمع کرده است. علامه مجلسی نیز در بحار الانوار روایاتی را در فضیلت زیارت امام حسین علیه السلام نقل کرده است (ر.ک: مجلسی، ج ۹۷ و ۹۸). حتی در بعضی روایات، فضیلت زیارت، هر چند با ترس باشد، بیان شده است (حرعاملی، ج ۱۴، ص ۴۵۶ و نوری، ۱۴۰۸ق، ج ۱۰، ص ۲۷۸)؛ چون در آن زمان، خلفای بنی امیه و سپس بنی عباس اصلاً با قبر امام حسین علیه السلام و رفتن به زیارت آن حضرت مبارزه می کردند و زائران را می زدند و زندانی می کردند. متوکل دستور داد قبر مبارک حضرت را شخم زدند. (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۴۵، ص ۳۹۸) و آب به آن بستند تا آثار آن را نیز از بین ببرند. ولی خواست آنان محقق نشد و نتوانستند به هدف خود برسند.

ائم علیهم السلام به قضیه کربلا و زنده نگهداشتن آن بسیار اهمیت می دادند و این برای حفظ دین و هدف قیام امام حسین علیه السلام بوده؛ چون قیام آن حضرت، شخصی نبود؛ بلکه هدفی مقدس داشت که باید همیشه زنده باشد.

در کامل الزیارات، یا کتاب هایی مثل مزار وسائل الشیعه یا مزار کافی یا مزار بحار الانوار روایات مفصلی وجود دارد که از اهمیت بسیار مسئله زیارت امام حسین علیه السلام حکایت دارد. این اهمیت به دلیل زنده ماندن یاد و نام سیدالشهداست. بر اساس روایتی، اگر به تربت امام

حسین علیه السلام سجده کنید، نماز شما از تمام آسمان‌ها رد می‌شود و به عرش خدا می‌رسد (ابن قولویه، ۱۳۵۶ق، ص ۱۵۹؛ صدوق، ۱۳۶۴ش، ص ۸۷ و ۸۹).

پیام قیام حسینی علیه السلام

از رحلت رسول خدا صلی الله علیه و آله تا ماجرای کربلا پنجاه سال فاصله بود. در این پنجاه سال، هجوم فرهنگی بنی‌امیه کاری کرد که امام حسین علیه السلام را به نام اسلام کشتند؛ خون امام حسین علیه السلام را حلال دانستند و او را کشتند. فلذا امام حسین علیه السلام در خطبه‌اش می‌فرماید: «فبم تستحلون بدمی» (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۴۴، ص ۳۱۸)؛ «چرا خون مرا حلال می‌دانید؟» آنها جوابی دادند که امام حسین علیه السلام در مقابل آن بلند بلند گریه کرد. آنها گفتند: «چون تو پسر علی علیه السلام هستی، تو را می‌کشیم» (قندوزی، ۱۳۸۵ق، ص ۳۴۶؛ بهبهانی، ۱۴۰۹ق، ج ۴، ص ۳۴۰ و ۳۴۱).

امیرالمؤمنین علیه السلام کسی است که از اولین روز بعثت رسول خدا صلی الله علیه و آله با او بود و در تمام جنگ‌ها حضور داشت و خط‌شکن بود و اکثر کفار با شمشیر او کشته شدند و درخت اسلام با شمشیر او رشد کرد، بارور شد و میوه داد. اما حالا طوری تبلیغ کردند که فرزند او را به نام او می‌کشند. این مسئله برای ما بسیار عبرت‌انگیز است.

بنی‌امیه عرصه خلافت را اشغال کردند، قدرت را در دست گرفتند و سپس آن قدر تبلیغ کردند و پول خرج کردند که مردم پنداشتند امام حسین علیه السلام پسر پیغمبر صلی الله علیه و آله نیست؛ بلکه پسر علی علیه السلام است و علی علیه السلام هم ضد اسلام است و فرزندش باید کشته بشود. به جای صلوات بر رسول خدا صلی الله علیه و آله بر معاویه بن ابی‌سفیان صلوات می‌فرستادند. حتی هفتاد نفر از شیوخ شام نزد سفاح رفتند و شهادت دادند که ما برای رسول خدا صلی الله علیه و آله ورثه‌ای غیر از معاویه نداریم (مسعودی ۱۴۰۹ق، ج ۳، ص ۳۳). از این رو اگر در شام، بر خلاف کوفه، به مقام اهل بیت علیهم السلام اهانت و جسارت شد، به این دلیل بود که شامیان، اهل بیت علیهم السلام را نمی‌شناختند و فرهنگشان ساخته و پرداخته معاویه بود.

نتیجه‌گیری

به نظر آیت‌الله احمدی میانجی از سیره و سنت رسول خدا ﷺ و ائمه معصومین علیهم‌السلام استفاده می‌شود که گریه بر امام حسین علی‌السلام اهمیت ویژه‌ای دارد؛ چون سبب زنده نگه داشتن روحیه انقلابیگری و ظلم‌ستیزی در میان امت اسلامی، و موجب احیای فریضه امر به معروف و نهی از منکر می‌گردد؛ به همین دلیل برای گریه بر آن حضرت و یارانش فضیلت‌های فراوان در نظر گرفته شده است؛ چنان‌که زیارت کربلا و ارتباط فیزیکی با قبور سالار شهیدان و یارانش، آثار حماسی دارد و موجب بیداری امت اسلامی می‌شود. برای همین بر زیارت کربلا در هر موقعیتی تأکید شده است؛ چراکه این ارتباط موجب شناخت نهضت حسینی و انگیزه قیام آن حضرت می‌شود و بالطبع جلوی بدعت‌ها و تحریف‌های یزیدیان زمان را می‌گیرد.

منابع

۱. ابن قولويه، جعفر بن محمد، نجف، مرتضوية (۱۳۵۶ق)، كامل الزيارات.
۲. اربلي، علي بن عيسى (۱۳۸۱ش)، كشف الغمة في معرفة الائمة، تبريز، بني هاشمي، چاپ اول.
۳. برقي، احمد بن محمد (۱۳۲۷ش)، تهران، دار الكتب الاسلامية، چاپ اول.
۴. بهبهاني، محمدباقر (۱۴۰۹ق)، الدمعة الساكية، بيروت، مؤسسة الاعلمي.
۵. حر عاملي، محمد بن حسن، وسائل الشيعة.
۶. ديلمی، حسن بن ابی محمد (۱۴۱۲ق)، ارشاد القلوب، قم، شريف رضى.
۷. شيخ صدوق، محمد بن علي (۱۳۶۴ش)، ثواب الاعمال، قم، شريف رضى.
۸. _____، (۱۴۰۰ق)، الامالى، بيروت، اعلمي، چاپ پنجم.
۹. قمی، عباس (۱۴۰۵ق)، نفس المهموم، قم، مكتبة بصيرتى.
۱۰. قندوزى حنفى، سليمان بن ابراهيم (۱۳۸۵ق)، ينابيع المودة، كاظمية، دار الكتب العراقية، چاپ هشتم.
۱۱. مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۴ق)، بحار الانوار، بيروت، مؤسسة الوفاء.
۱۲. مسعودی، علي بن حسين (۱۴۰۹ق)، مروج الذهب، قم، دار الهجرة، چاپ دوم.
۱۳. میانجی، احمدی (۱۳۹۰ش)، به سوى نور، امامت و ولايت، مجموعه سخنرانى هاى فقيه اخلاقى آيت الله احمدی میانجی، دفتر دوم، قم، دار الحديث.
۱۴. نورى، ميرزا حسين (۱۴۰۸ق)، المستدرک الوسائل، بيروت، تحقيق مؤسسة آل البيت لاحياء التراث، چاپ دوم.